

# تالو

نشریه خبری دانشگاه مهارت محور فنی و حرفه‌ای

Technical and Vocational University

سال پنجم ■ شماره ۳۳ ■ آبان ماه ۱۴۰۰ ■ ربیع الاول ۱۴۴۳ ■ اکتبر ۲۰۲۱

# آمایش آموزش عالی در ایران



# آمایش آموزش عالی در ایران: ملاحظات



ابراهیم صالحی عمران  
رئیس دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور

## چکیده:

نتیجه گرفته شد آمایش آموزش عالی صرفاً به ساماندهی ساختاری و مدیریتی نظام آموزش عالی محدود نگردد و آمایش آموزش عالی فقط تصمیم‌گیری درباره ابعاد کمی آموزش عالی نباشد و همه بحث‌ها معطوف به تجمیع، ادغام و حذف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نباشد! در آمایش آموزش عالی لازم است سیاست‌های کلان و خرد در این رابطه مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحات لازم در راستای "کیفی سازی آموزش عالی" در دو رویکرد کمی و کیفی در آمایش مورد توجه قرار گیرد.

دنبال خواهد داشت. ملاحظاتی همچون توجه به اصلاح ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی خارج از نظام آموزش عالی به افزایش پیامدهای مختلف آمایش آموزش عالی منجر خواهد شد. البته اصلاحات درون سیستم‌های آموزشی مانند نظام هدایت تحصیلی نیز منجر به اصلاح نظام پذیرش دانشجو می‌شود. علاوه بر آن تقویت زیر نظام آموزش عالی مهارتی نیز پیوند مناسبی برای آموزش و اقتصاد و علی‌الخصوص کم کردن چالش اشتغال دانش‌آموختگان خواهد بود. علاوه بر آن

آمایش آموزش عالی به‌عنوان یکی از زیرمجموعه‌های آمایش سرزمین، می‌تواند نقش مهمی را در فرایند توسعه و پیشرفت کشور بازی کند. اما این سیاست‌گذاری نیز همانند سایر فعالیت‌های توسعه‌ای نیازمند یکسری ملاحظات است که با رویکرد تحلیلی این مقاله به آن پرداخته شد. تجربیات آمایش سرزمین به ما نشان داده است اول از همه نگاه کل گرایانه و سیستمی بیشترین تأثیر را در بهره‌مندی از این نوع برنامه‌ریزی مبتنی بر مزیت‌های منطقه به





# آمایش سرزمین

## مقدمه:

آمایش سرزمین به عنوان یکی از گفتمان‌های مسلط در ادبیات برنامه‌ریزی توسعه کشورها، مطرح گردیده و جایگاه خاصی در حوزه برنامه‌ریزی توسعه کشورها پیدا کرده است. آمایش سرزمین تنظیم رابطه بین انسان، فضا و فعالیت‌های انسان در فضا تعریف می‌شود و وظیفه اصلی اش تنظیم و هماهنگ سازی راهبردها و جهت گیری بخش‌ها و مناطق کشور را بر عهده دارد و تدوین سیاست‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی توسعه بر مبنای این راهبردها بر عهده بخش‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی است (بنی سی ۱۳۹۱). به عبارتی می‌توان آنرا به عنوان سازماندهی مطلوب فضا در جهت دستیابی به اهداف و استراتژی‌های توسعه ملی یاد کرد (صالحی عمران ۱۳۹۱). در راستای آمایش سرزمین، آمایش آموزش عالی و مدیریت منطقه‌ای آموزش عالی نیز در حوزه سیاست‌گذاری کلان توسعه کمی و کیفی دانشگاه‌ها نیز مطرح گردید و توسط سیاست‌گذاران آموزش عالی مورد پذیرش قرار گرفت. نمونه این توجه، تأکید اسناد بالادستی بر ضرورت توجه به آمایش آموزش عالی در فرایند توسعه کمی مراکز آموزش عالی است. مدیریت منطقه‌ای در آموزش عالی در راستای ایجاد عدالت آموزشی و بهبود ساختار اداره دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و در جهت تحقق بند ۷۸ سیاست‌های کلی برنامه ششم و بند ۵-۵ و ۲-۶ سیاست‌های کلی علم و فناوری می‌باشد (کوثری ۱۳۹۵). بسیاری از سیاست‌گذاران و مدیران دانشگاهی و آموزش عالی نیز همواره بر اجرای آمایش آموزش عالی تأکید دارند، اما به نظر می‌رسد که طرح برخی از سؤالات و پاسخ‌گویی به آن‌ها می‌تواند پیامدهای بهتری را برای نظام آموزش عالی کشور در پی داشته باشد. به عنوان مثال سوال‌هایی مانند: تاریخچه و تجربه آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی چیست؟

اساساً چرا این نوع از برنامه‌ریزی مطرح شد؟ چرا بحث آمایش در آموزش عالی ایران مطرح شد؟ و سرانجام چه نکاتی لازم است در فرایند برنامه‌ریزی آموزش عالی مبتنی بر آمایش مورد توجه قرار گیرد؟ و پیامدهایی مورد انتظار با اجرای آمایش آموزش عالی کدام‌اند؟ در ارتباط با سؤالات مذکور می‌توان توضیحات ذیل را ارائه داد:

■ تاریخچه مطرح شدن مفهوم آمایش به کشور فرانسه بازمی‌گردد؛ جایی که سیاست‌گذاران آن کشور متوجه شدند که برنامه‌های توسعه صرفاً در شهر پاریس تمرکز یافته و در سایر مناطق کشور اقدام خاصی انجام نگرفته و از توسعه به دور مانده بود (بوذری ۱۳۹۵). به عبارت دیگر در دوره‌ای از تاریخ، برنامه‌های توسعه دولت فرانسه تنها در شهر پاریس محقق گشته و از ظرفیت‌ها و ویژگی‌های سایر مناطق فرانسه استفاده چندانی نشده بود؛ تا جایی که این مسئله با عناوینی مانند "پاریس و بیابان‌های اطراف" در بین سیاست‌گذاران مطرح گردید! لذا این نوع از برنامه‌ریزی به عنوان راه‌حلی جهت پاسخگویی به این نابرابری مطرح شد تا توسعه متوازنی را در کل کشور حکم‌فرما کند. مبنای این نوع برنامه‌ریزی، تنظیم رابطه بین سه حوزه انسان، فضا و فعالیت با توجه به مزیت‌های نسبی مناطق بود. این نوع برنامه‌ریزی، به نوعی "تقسیم کار ملی" نیز قلمداد شد. در حقیقت آمایش سرزمین به نوعی تصرف مجدد در سرزمین تلقی شده و زمینه توسعه را در کل کشور فراهم می‌آورد. بدیهی است که هرگونه تصمیم‌گیری در آمایش آموزش عالی می‌بایست با محوریت توجه به برنامه‌های توسعه‌ای ملی کشور و توجه به اسناد استانی آمایش سرزمین انجام گیرد تا "نتیجه‌گرایی" و "پیامدگرایی" آموزش عالی نیز عملاً تحقق یابد.

■ نکته دوم پیرامون دلایل کار برد مفهوم آمایش آموزش عالی در ادبیات آموزش عالی ایران است. این مفهوم زمانی در ادبیات آموزش عالی کشور مطرح گردید که رشد کمی آموزش عالی در کشور

اتفاق افتاد. تعداد مراکز آموزش عالی در دو بخش دولتی و خصوصی با رشد کمی بی‌سابقه‌ای روبه‌رو شد. این رشد، با تقاضای بالای مردم به حضور در دانشگاه و اخذ مدارک دانشگاهی همراه شد! چراکه در سابقه و حافظه تاریخی مردم ایران، دارا بودن مدارک دانشگاهی به استخدام و اشتغال در دوایر اداری و دولتی منجر می‌شد؛ همچنین دانش‌آموختگان به واسطه مدارک دانشگاهی، از امتیازهای سیاسی و قدرتی هم بهره‌مند می‌شدند. در حقیقت، شکل‌گیری دولت و دیوانسالاری، زمینه‌ای جهت جذب دانش‌آموختگان دانشگاهی شد و به تدریج منزلت‌های اجتماعی حاصل از آن نیز ارزش‌های فرهنگی خاصی به دانشگاه‌ها و مدارک دانشگاهی بخشید! و نتیجه‌اش سیل هجوم متقاضیان مدارک آموزش عالی در جامعه ایرانی بود! اما به مرور ظرفیت‌های بخش‌های دولتی برای استخدام دانش‌آموختگان دانشگاهی کاهش یافت و از طرف دیگر دانش‌آموختگان دانشگاهی نیز جایگاه مناسبی در بخش‌های خصوصی نداشتند و در طی زمان موضوع بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی تبدیل به یک ابر چالش در جامعه ایران شد (عیسی زاده ۱۳۹۳). تأکید بیش از حد به عرضه‌گرایی به جای تقاضامحوری، منجر به عرضه نیروی انسانی بدون توجه به نیازهای جامعه شد (جامعه‌ای که هم‌زمان هم کمبود نیروی انسانی متخصص دارد و هم مازاد نیروی انسانی!) اگرچه سرآغاز آموزش عالی با هدف تربیت کادر اداری دولت و تقویت بخش دیوانسالاری بود، ولی نکته مهم این بود که حتی نیازهای بخش‌های دولتی نیز به درستی تجزیه و تحلیل و تبیین و مبنای پذیرش دانشجو در دانشگاه هم قرار نگرفت! بنابراین انتقادات به آموزش عالی حول محور رشد کمی مراکز آموزش عالی و مشخص نبودن وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان مراکز دانشگاهی قرار گرفت و اصلاح آموزش عالی در ادبیات آموزش عالی به نوعی بر مدار آمایش سرزمین و آمایش آموزش عالی قرار گرفت و گفتمان‌های مختلفی نیز درباره رجوع به

خاطر نشان کرد که حل بسیاری از مشکلات آموزش عالی در حذف و ادغام نیست و لازم است در کنار اصلاحات بعد کمی آموزش عالی، آمایش را در "بعد کیفی" و اصلاحاتی را در درون و بیرون نظام آموزش عالی مربوطه مورد توجه قرار داد. بطور مثال در این راستا مهرعلیزاده (۱۳۹۵) به چهار تقابل اشاره کرده است. تقابل حوزه علم و ورزش (گسترش کمی و کیفی دانشگاه)، حوزه سیاست (قدرت)، حوزه اقتصاد (سود و زیان و ثروت اندوزی)، و حوزه فرهنگ (منزلت اجتماعی و فرهنگی، اقتناع، استدلال، هنر و ادبیات ...) موجب نابسامانی در جایگاه و حوزه اختیارات بازیگران ارشد سیاست گذاری توسعه آموزش عالی شده است. اما سیاست گذاران چنین اندیشه کرده‌اند که اولویت دادن به تجمیع موسسات آموزش عالی حلال بحران‌های آموزش عالی شده است. لذا آمایش آموزش عالی در راستای کیفیت بخشی و انتخاب مسیر درست در آموزش عالی است که معنای واقعی پیدا کرده و آموزش عالی ایران بیش از هر دوره‌ای به اصلاحات کیفی در ابعاد زیر نیاز دارد:

بحث این است که نباید فراموش گردد که آمایش سرزمین در ارتباط با فرایند توسعه اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی معنا پیدا کرده و لازم است امکان "توسعه متوازن" و "درون‌زا" و "پایدار" را برای کشور فراهم آورد؛ لذا ویژگی جامعیت که به نوعی توجه به تمام بخش‌هاست باید مبنای این نوع برنامه‌ریزی بوده و داشتن تفکر سیستمی از ضرورت‌های این نوع برنامه‌ریزی ملی است. علاوه بر آن میل به "عدم تمرکز" و "تقسیم کار ملی" یکی دیگر از مفاهیمی است که نباید به فراموشی سپرده شود! (تا تجربه پاریس و بیابان‌های اطراف تکرار نشود).

اگر چه آمایش آموزش عالی در شرایط فعلی کشورمان حول محور بعد کمی گرایش پیدا کرده است و تیغ تیزش نیز متوجه تعدد و کمیت مراکز دانشگاهی و نقد سیاست‌های آموزش عالی فراگیر است و هرگاه صحبت از آمایش آموزش عالی می‌شود، صحبت از ادغام و تجمیع، حذف و به‌طور کلی ساماندهی ساختاری و اداری و مدیریتی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی است. ولی باید

این نوع برنامه‌ریزی در جامعه شکل گرفت. چرا که تصور می‌رفت آمایش آموزش عالی، دانشگاه‌ها را با نیازهای اجتماعی و به‌ویژه نیازهای منطقه‌ای که به نوعی ارتباط مجدد انسان، فضا و فعالیت بود، پیوند خواهد داد! و انشالله تصرف مجدد سرزمین را به همراه خواهد داشت! بهره‌جست طرح آمایش آموزش عالی یعنی توسعه علم و فناوری در سراسر کشور که مبتنی بر عدالت اجتماعی، تعادل منطقه‌ای، حفظ هویت اسلامی و ایرانی و حفظ میراث فرهنگی است. همچنین بر معنای مدیریت صحیح منابع، هدایت درست استعدادهای و حرکت عالمانه به سوی هدف برای آموزش عالی کشور است. همچنین آینده‌نگری آمایش آموزش عالی در سطح ملی، منطقه‌ای و استانی شامل تعیین استراتژی آموزش عالی، جمع‌آوری اطلاعات و شناخت قابلیت‌ها و تنگناهای استان است (بهجتی اردکانی ۱۳۹۱).

نکته سوم این بحث مربوط به ارایه توضیحاتی است که لازم است جهت اصلاح نظام آموزش عالی ایران با توجه و در نظر گرفتن مفهوم آمایش آموزش عالی مدنظر قرار گیرند. نکته اساسی این

## اصلاحات مربوط به ساماندهی و ارتباط مستمر آموزش عالی با نهادهای بیرونی:

است، بخشی از دلایل را باید در ضعف ساختارهای اقتصادی آن جامعه جستجو کرد و طبیعی است که اصلاحات آموزشی به‌تنهایی زمینه کارآمدی نظام آموزش عالی را فراهم نمی‌سازد! بنابراین ساماندهی و نظم بخشی به نظام‌های اقتصادی جایگاه مهمی در آمایش سرزمین و فرایند‌های توسعه یک کشور داشته و نگاه جزیره‌ای به اصلاحات درون دانشگاهی اثر چندانی نخواهد داشت!

طبیعی است رونق تولید و شکوفا بودن بنگاه‌های اقتصادی کشور می‌تواند زمینه جذب نیروهای انسانی آموزش دیده را فراهم آورد. بهره‌جست رشد اقتصادی و افزایش تولید ناخالص ملی کشور زمینه مناسبی برای ارتباط متقابل اقتصاد و نظام‌های آموزشی و بطور خاص فراهم‌سازی فرصت‌های اشتغال را نیز فراهم می‌آورد؛ بنابراین اگر جامعه‌ای با بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی روبه‌رو

دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در خلأ عمل نمی‌کنند. زمانی بروندادهای دانشگاه مثمر ثمر خواهد بود که زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی بیرون از دانشگاه نیز فعال و پویا باشند. از منظر اقتصاد آموزش عالی نیز چنین است. نظام‌های آموزش عالی زمانی بازده اقتصادی خواهند داشت که شرایط اقتصاد خرد و کلان نیز در وضعیت مطلوب و رو بر رشد مثبت بسر ببرند.



## ارتباط مداوم بین نظام آموزش و پرورش عمومی با نظام آموزش عالی:

از داوطلبان کنکور را متقاضیان گروه آزمایشی تجربی تشکیل می‌دادند! و بدتر آن که این گروه عظیم صرفاً مقصد آموزش عالی را در چند رشته پزشکی، دندانپزشکی و داروسازی می‌بینند! و از آنجایی که نظام آموزش عالی هم در پی پاسخ‌گویی به این گونه تقاضاهای کمی کاذب اجتماعی است، رشد کاریکاتوری پیدا می‌کند و نتیجه‌اش این خواهد شد که ۸۰٪ دانشجویان تنها در ۲۰ رشته تحصیلی مشغول به تحصیل شوند! طبیعی است که این گونه گسترش آموزش عالی به طور حتم بیکاری دانش‌آموختگان را در پی خواهد داشت!

لذا توجه به سیستم‌های قبل از نظام آموزش عالی و اصلاح ساز و کارهای مربوط به هدایت تحصیلی اهمیت ویژه‌ای در مباحث مربوط به آمایش آموزش عالی خواهد داشت و خروجی‌های مناسب نظام آموزش عالی نیز منجر به اصلاح سیستم پذیرش دانشجویان در مراکز دانشگاهی خواهد شد و بدین ترتیب بخش بزرگی از اهداف آمایش آموزش عالی عملاً اجرا خواهد شد.

را تعیین خواهد کرد. فضای فرهنگی حاکم بر مدرسه و نظام آموزش و پرورش عمومی ریشه ادامه تحصیل در مسیرهای آموزش عالی و نظام آموزش مهارت را مشخص خواهد کرد که از آن تحت عنوان "هدایت تحصیلی" نام برده می‌شود.

به طور طبیعی انتظار می‌رود که در پایان دوره آموزش عمومی و در دوره متوسطه، دانش‌آموزان به طور مناسبی بین رشته‌های مختلف تحصیلی توزیع شوند و زمینه لازم جهت تحصیل در حرفه‌ها و مشاغل مختلف فراهم آید. به‌ویژه انتظار می‌رود که بخش عمده دانش‌آموزان از دوره متوسطه وارد دوره‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی شوند و بدین ترتیب چرخه اقتصادی کشور را به حرکت در آورند. ولی متأسفانه آمارها نشان‌دهنده آن است که این گونه نیست و بخش عظیمی از دانش‌آموزان متقاضی ادامه تحصیل در رشته‌های نظری و علمی‌الخصوص تجربی می‌باشند و انبوه داوطلبان کنکور حول محور رشته‌های نظری می‌چرخند. به‌عنوان مثال در سال تحصیلی ۹۹-۱۴۰۰، ۴۲٪

معمولاً نظام‌های آموزشی کشورها، نظام‌های پیوسته‌ای هستند که هر گونه تقسیم‌بندی جداگانه و بدون ارتباط منطقی یا یکدیگر منجر به ناکارآمدی هر یک از آن‌ها خواهد شد و یا حداقل اثربخشی اجتماعی آن‌ها را در فرایندهای توسعه آن کشور کاهش خواهد داد. به‌عنوان مثال در اغلب کشورهای نظام‌های آموزشی به سه دسته نظام آموزشی عمومی، نظام آموزش عالی و نظام آموزش مهارتی تقسیم می‌شود ولی در عین تفکیک، ارتباط افقی و عمودی خاصی نیز بین آن‌ها وجود دارد که این ارتباط می‌تواند به کارایی و اثربخشی هر یک از آن‌ها منتهی شود. متأسفانه در ایران، این ارتباط چندان منطقی و مناسب نمی‌باشد! به‌ویژه بین نظام آموزش عمومی و نظام آموزش عالی کشور ارتباط چندان برقرار نیست! به اعتقاد نگارنده نظام آموزش عمومی به‌عنوان سرآغاز ورود دانش‌آموزان به آموزش عالی، نقش قابل توجهی در شکل‌دهی افکار، دانش‌ها، گرایش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌های دانش‌آموزان دارد و اصولاً فرهنگ عمومی و نظام ارزشی حاکم بر آموزش، مسیر تحصیل



## تمرکززدایی در سیاست‌گذاری و مدیریت آموزش عالی:

به سمت عدم تمرکز و تفویض اختیارات در سیستم‌های آموزشی و یا حداقل سیاست‌گذاری آموزشی اقدام مثبت برای کاهش نابرابری می‌تواند یک نوع اقدام عملی برای آمایش آموزش عالی محسوب شود.

البته لازم به ذکر است که ضمن تفویض اختیار به دانشگاهها، برقراری ارتباطات سیستماتیک بین دانشگاهها می‌تواند به هم‌افزایی بیشتر آموزش عالی در سطح کشور و علمی‌الخصوص در ارتقاء سطح بین‌المللی رتبه‌های دانشگاهها بیانجامد و جدایی و تکه‌تکه کردن دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ضمن به‌در دادن منابع انسانی و مادی آموزش عالی به شدت به کیفیت آرایه آموزش عالی نیز صدمه زده که لازم است در آمایش آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد.

و نظام آموزش عالی به صورت عادلانه در مناطق مختلف کشور توزیع نشده و فرصت‌های دسترسی به آموزش، امکانات و منابع آموزشی در وضعیت متوازن و برابری به سر نمی‌بریم! و هنوز پاسخ مناسبی برای این سؤالات نداریم: بهترین و کیفی‌ترین دانشگاه‌های کشور در کدام مناطق قرار دارند؟ صنایع با کیفیت در کدام مناطق کشور هستند تا روابط متقابل دانشگاه و صنعت پدید آید؟ بیشترین جمعیت دانشجویی در کدام مناطق متمرکز شده‌اند؟ کیفی‌ترین تحصیلات تکمیلی در کدام دانشگاهها و کدام مناطق جغرافیایی متمرکز شده‌اند؟ بهترین فضاها، امکانات آموزشی، کارگاه‌ها و آزمایشگاه‌ها کجا قرار دارند؟ امکان و روابط بین‌المللی آموزش عالی در کدام مناطق وجود دارد؟ و غیره.

به هر جهت همانطور که مشاهده می‌شود، حرکت

همانطور که در ابتدای این نوشتار شرح داده شد، یکی از مؤلفه‌های اصلی آمایش سرزمین، توجه به توسعه متوازن در سطح کشور است. در این فرایند، قرار بر این است که همه استان‌ها و مناطق با توجه به ویژگی‌های فضایی و مزیت‌های نسبی‌شان مورد توجه قرار گیرند. این کار ضمن سرعت بخشیدن به فرایند توسعه، عدالت اجتماعی را نیز برقرار خواهد ساخت.

در این میان سیاست‌گذاری مناسب سیستم‌های آموزشی به‌عنوان تامين کننده نیروی انسانی آموزش دیده نقش اساسی خواهد داشت و طبیعی است سیاست‌گذاری عدم تمرکز مدیریت نظام‌های آموزش عالی نقش مؤثری در حرکت به سمت توسعه متوازن ایفا خواهد کرد و به تبع آن فراهم‌سازی عدالت آموزشی و عدالت اجتماعی را نیز در پی خواهد داشت! چراکه هنوز نظام آموزشی عمومی، مهارتی



## حرفه‌گرایی در آموزش عالی:

همانطور که در ادبیات انتقادی از وضعیت آموزش عالی ایران هم بحث شد، موضوع بیکاری و عدم مطابقت مهارت‌های دانش‌آموختگان دانشگاهی با نیازهای بازار کار یکی از اصلی‌ترین انتقادات است. به همین دلیل طرح بحث "هدفمند نبودن آموزش عالی"، یکی از محورهای اصلی نقدهایی است که بر آموزش عالی کشور وارد می‌شود. انتقاداتی که به سیستم عرضه‌گرایی آموزش عالی کشور وارد می‌شود به عنوان یکی از زمینه‌های اولیه ضرورت مطرح شدن آمایش در آموزش عالی کشور ذکر شد. در حقیقت به نوعی، بازده اقتصادی و اجتماعی نظام آموزش عالی کشور زیر سوال رفت و موضوعاتی مانند رجوع به دانشگاه‌های کارآفرین و نسل سوم توسط منتقدان نظام آموزش عالی مطرح گردید. چراکه وقتی با انبوه فارغ‌التحصیلان بیکار در تعدادی از رشته‌های تحصیلی مواجه می‌شویم، این سوال مطرح می‌گردد که توسعه رشته‌های مختلف تحصیلی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی بر چه اساسی انجام گرفت؟ توسعه و گسترش آموزش عالی بر اساس کدام منابع نظری انجام گرفت؟ آیا صرف داشتن چند عضو هیات علمی در دانشگاه برای ایجاد یک رشته تحصیلی در یک منطقه کفایت می‌کند؟ تا چه میزان توسعه این رشته‌ها با نیازهای مختلف حال و اتی بازار کار بود؟ هرم منطقی توسعه آموزش عالی در دوره‌های کاردانی، کارشناسی و تحصیلات تکمیلی چگونه باید باشد؟ هرم منطقی توسعه رشته‌های تحصیلی در گروه‌های مختلف آموزشی علوم انسانی، مهندسی، کشاورزی، پزشکی، خدمات

و ... چگونه باید باشد؟ توزیع منطقی دانشجویان و گسترش آموزش‌های در زیر نظام‌های آموزش عالی (پیام نور، فنی و حرفه‌ای، دانشگاه‌های نظری و ...) چگونه باید باشد؟ و ...

این‌ها نمونه‌ای از سؤالاتی است که عدم پاسخگویی و برنامه‌ریزی مناسب جهت پاسخگویی به آن‌ها در گذشته آموزش عالی ایران، باعث سرریز شدن انبوه فارغ‌التحصیلان بیکار به جامعه شده است. لذا ضرورت پیدا می‌کند که با بهره‌گیری از تجارت بین‌المللی، سیاست حرفه‌گرایی در آموزش عالی که زمینه توجه به انتقال مهارت‌ها و توسعه برنامه‌های آموزشی و درسی مبتنی بر شایستگی (CBET) و مهارت‌های اشتغال‌پذیری، است در برنامه‌های آمایش آموزش عالی مورد توجه قرار گیرد. این مبحث دلالت روشن و مهمی برای سیاست‌گذاران آموزشی در سطح دانشگاه‌هاست که نخست باید بازنگری مستمر در تناسب رشته‌ای دایر با نیازهای متحول را در کانون برنامه‌های درسی مورد توجه قرار دهند و دوم اینکه تاسیس رشته‌های تحصیلی متناسب با این تحولات را از نظر دور ندارند، از این رو با بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی مبتنی بر مهارت‌های اشتغال‌پذیری با بازار کار و ظرفیت‌های اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی هر منطقه می‌تواند به عنوان گامی مهم و اساسی در جهت رفع این مشکلات در نظر گرفته شود، شایستگی‌های لازم در دانش‌آموختگان برای ورود به بازار کار پدید آورد و موجبات موفقیت آنها در موقعیت‌های شغلی را فراهم کند (صالحی عمران ۱۳۹۱). فراموش نکنیم

که تاکید بر رشته‌های مهارتی و مهارتی ساختن سرفصل‌های دروس به "تجاری‌سازی" آموزش نیز کمک شایانی خواهد کرد. اگرچه در قانون برنامه ششم قرار بر این بود که ۳۰٪ دانشجویان در دوره‌های تکنسینی مهارتی مشغول به تحصیل باشند ولی فراموش نباید کرد که بحث هدایت تحصیلی دانش‌آموزان در دوره‌های آموزش عمومی نقش مؤثری در این ارتباط خواهد داشت.

به هر جهت یکی از ابعاد کیفی مهم در آمایش آموزش عالی "ماموریت‌گرا" ساختن نظام آموزش عالی و توجه خاص به حرفه‌گرایی در آموزش عالی است. فراموش نکنیم در حال حاضر بسیاری از دانشگاه‌های در دنیا بر اساس شاخص‌های اقتصادی و فراهم‌سازی بستر مناسب برای اشتغال و بهره‌وری اقتصادی رتبه‌بندی می‌شوند و تنها ارائه مقالات علمی و چاپ کتاب‌ها، به‌عنوان معیار اعتبارسنجی دانشگاه‌ها مد نظر قرار نمی‌گیرد! شاید به همین علت است که بخشی از نظام ارزیابی از آموخته‌های دانش‌آموختگان توسط نهادهای بیرونی انجام می‌گیرد و به‌گونه‌ای "صلاحیت حرفه‌ای" صاحبان مدارک آموزشی مورد اعتبارسنجی نهادهای صنعتی، علمی خارج از دانشگاه‌ها قرار می‌گیرد؛ بنابراین با اتخاذ سیاست‌های مناسب کیفی در برنامه آمایش آموزش عالی و توسعه کمی و کیفی رشته‌های مختلف مهارتی و مرتبط با نیازهای بازار کار در حال و آینده و توجه خاص به دانشگاه‌های فنی و حرفه‌ای و علمی کاربردی گام مؤثری در این مسیر بر خواهیم داشت.



## نتیجه گیری

و همه بحث‌ها معطوف به تجمیع، ادغام و حذف دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نباشد! و از طرفی هم آمایش به معنای محدود کردن آموزش عالی هم معنا پیدا نکند! در آمایش آموزش عالی لازم است سیاست‌های کلان و خرد در این رابطه مورد بازنگری قرار گرفته و اصلاحات لازم در راستای "کیفی سازی آموزش عالی" در دو رویکرد کمی و کیفی در آمایش مورد توجه قرار گیرد:

آموزش عالی می‌بایست به برقراری ارتباط دو طرفه بین نظام‌های آموزش عالی و بخش‌های بیرونی و حتی خصوصی و منجمله اسناد استانی آمایش سرزمین کشور باشد. اما آنچه مورد تردید بود این است که هدف اصلی از آمایش آموزش عالی صرفاً به ساماندهی ساختاری و مدیریتی نظام آموزش عالی محدود نگردد و آمایش آموزش عالی فقط تصمیم‌گیری درباره ابعاد کمی آموزش عالی نباشد

هدف اصلی از نگارش این نوشتار ابتدا فهم جایگاه آمایش سرزمین و سپس تبیین مسیر آمایش آموزش عالی در کشور بود. تأکید بر این بود که آمایش می‌بایست به توسعه متوازن در کشور منتهی گردد و نظام آموزش عالی نیز به‌عنوان یکی از زیر نظام‌های توسعه می‌تواند با انجام وظایف و کارکردهای مختلف و مناسب خود، گام‌های مؤثری در این مسیر بردارد. لذا هر گونه اقدام اصلاحی در

## رویکردهای مورد توجه در آمایش آموزش عالی

### رویکرد کیفی

- ۱- برقراری ارتباط مستمر با نهادهای بیرونی (صنعت، کشاورزی، خدمات و ...)
- ۲- برقراری و ارتباط نظام آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی در راستای هدایت تحصیلی
- ۳- تمرکززدایی و تفویض اختیار در سیاست‌گذاری و مدیریت آموزش عالی
- ۴- حرفه‌گرایی و تقویت آموزش‌های عالی مهارتی و توجه به مهارت‌های اشتغال‌پذیری
- ۵- ماموریت‌گرایی در نظام آموزش عالی
- ۶- تجاری‌سازی نظام آموزش عالی
- ۷- بین‌المللی‌سازی آموزش عالی
- ۸- تولید فناوری‌های سطوح پایین، متوسط و عالی در نظام پژوهش
- ۹- شایستگی محور کردن سرفصل‌های دروس
- ۱۰- برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تقسیم کار ملی

### رویکرد کمی

- ۱- اصلاح تعداد مراکز آموزش عالی (ادغام، تجمیع، حذف)
- ۲- ساماندهی ساختاری و اداری و تشکیلاتی مراکز دانشگاهی
- ۳- اصلاح رشته‌های تحصیلی
- ۴- اصلاح نظام پذیرش دانشجو و توزیع آن از نظر کمی
- ۵- اصلاح نیروی انسانی (هیئت علمی و کادر اداری)
- ۶- مدیریت منابع مالی و مادی
- ۷- مدیریت منطقه‌ای
- ۸- تربیت نیروی انسانی بر اساس نیاز منطقه

پذیری نیز جزو اولویت‌های این نوع از برنامه‌ریزی آموزشی قلمداد می‌شود؛ بنابراین با طراحی و اجرای برنامه‌های بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت در به فراهم‌سازی زمینه‌های لازم برای تقویت دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم که ارتباط دانشگاه با جامعه، مبنای برنامه‌ریزی را تشکیل می‌دهد، نیز از اولویت‌های برنامه کیفی آمایش در آموزش عالی است. البته نباید فراموش کرد که در کنار توجه به آموزش و اصلاح تربیت نیروی انسانی در برنامه آمایش لازم است برنامه‌های پژوهش و کارکردهای مشاوره‌ای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و تقویت روابط بین‌المللی دانشگاه‌ها نیز مورد توجه قرار گیرند. به‌ویژه توجه به تولید فناوری سطوح پایین، متوسط و عالی در کارکردهای پژوهشی دانشگاه‌ها و پارک‌ها و مراکز رشد و فناوری نقش شایسته‌ای دارد که بحث‌های مستقلی را نیز طلب می‌کند.

قرار گیرد. همچنین تحلیل شد که نظام هدایت تحصیلی در نظام آموزش و پرورش عمومی نیز می‌تواند تا حد زیادی نظام پذیرش و سنجش دانشجویان را ساماندهی کند. علاوه بر آن سیاست عدم تمرکز و فرایند تفویض اختیارات به دانشگاه‌ها و توجه به ویژگی‌های مناطق و تقسیم‌کار ملی یکی از اصلاحاتی است که لازم است مورد توجه سیاست‌گذاران آموزش عالی قرار گیرد. همانطوریکه رفسنجانی نژاد (۱۳۹۵) خاطر نشان کرد دستیابی، حفظ و ارتقای شاخص‌های پذیرش دانشجو نیازمند رویکردهای مشارکتی و مبتنی بر عدم تمرکز است. این فرایند باید با حضور همه نهادها و ذینفعان سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و ارزشیابی انجام شود. در راستای تقویت بعد کیفی آمایش آموزش عالی، حرفه‌گرایی و توجه به رشته‌های مورد نیاز بازار کار و به مهارت‌های اشتغال

از جمله این اصلاحات توجه به هم‌سویی و هماهنگی با اهداف توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و فراهم‌سازی زمینه‌های لازم جهت توسعه متوازن و درون‌زا است؛ بنابراین جامعیت و نگاه سیستمی به "بیرون و درون" از ضرورت‌های اصلی آمایش به شمار می‌رود. بنابراین اتخاذ تدابیری برای همراهی نهاد‌های بیرونی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی برای ارتباط با دانشگاه‌ها توسط دولت مردان عامل مهمی برای ارتقای پیامدهای آمایش آموزش عالی می‌باشد. همچنین این موضوع مطرح گردید که بخشی از ناکارآمدی در جذب نیروی انسانی متخصص به نظام‌های اقتصادی بیرون از آموزش عالی مربوط است که لازم است این بخش در آمایش سرزمین مورد توجه سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کلان‌سیاسی و اقتصادی کشور



## Spatial planning of higher education in Iran: considerations

### Abstract:

Spatial Spplanning of higher education as one of the use of land use planning can play an important role in the development process and development of the country. However, policy makers, like other development activities, need a number of considerations which have been addressed by the analytical approach of this paper. The spatial planning experiences have shown us that the holistic view and system have the greatest impact in the benefit of this kind of planning based planning. Considerations such as attention to reforming the economic, social and outside of the higher education system will lead to an increase in the different outcomes of higher education planning. Of course corrections within educational systems such as educational guidance system also lead to reform of the university admission system. Moreover, the strengthening of the higher skilled education system will also be a good link to education and economy, and in particular to alleviate the challenge of living alumni. Furthermore, the conclusion of higher education is not confined to the structural and managerial reorganization of the higher education system and the higher education planning is not just about making decisions about the quantitative dimensions of higher education and not all discussions are focused on aggregation, integration, and elimination of universities and higher education centers! In the preparation of higher education, macro and micro - policies in this regard have been reviewed and the necessary modifications to improve higher education are considered in two quantitative and qualitative approaches in spatial planning.



- صاحب امتیاز :  
دانشگاه فنی و حرفه‌ای
- مدیر مسئول:  
دکتر ابراهیم صالحی عمران
- سردبیر: دکتر حسین سلمانی
- دبیر اجرایی: رضافرج تبار
- دبیر تحریریه: علی همزه خسرقی
- دبیر عکس: بهزاد حبیبی
- صفحه آرایی و طراحی جلد: فاطمه حبیبی
- محل انتشار: استان تهران
- نشانی: تهران، میدان ونک، خیابان برزیل شرقی، پلاک چهار، سازمان مرکزی دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور، اداره کل حوزه ریاست و روابط عمومی
- سایت دانشگاه: [www.tvu.ac.ir](http://www.tvu.ac.ir)
- تلفن و فکس:  
۰۲۱ - ۸۸۱۹۰۱۴۷ - ۴۲۳۵۰۱۱۲